

اهمیت آموزش خانواده و ضرورت بازنگری در آن

احسان تقی‌زاده



احساس نیاز به امنیت، الفت، محبت، همراهی و همدردی از جمله مسایل سرشتی و فطری انسان است. نخستین ملجأ و مرجعی که به طور عمیق و ریشه‌دار، طبیعی و سالم جوابگوی نیازهای مذکور است، کانون مصفای خانواده است. ارضای این نیازها یعنی تأمین ویتامین‌های روانی کودک، نوجوان، جوان و بزرگسال.

خانواده علاوه بر تأمین نیازهای فیزیولوژیکی (خوراک، پوشاک، مسکن، امور جنسی)، جایگاه پاسخ ب احتیاجات روحی ضروری و حیاتی به سبک و شکلی منطقی، طبیعی مشفقانه و انسانی است. خانواده بزرگتر - من نهاد کیفی در اجتماع است که رسالتی ویژه برعهده دارد. این رسالت، مسئولیت، توجه، نگرشی و آگاهی

ویژه را می‌طلبد. زندگی در پرتو زیباییها و واقعتهای خانوادگی تعادل زیستی، روحی و اجتماعی پدید می‌آورد. خانواده مکان تعادل بین دلمردگیها و شوق زندگی‌هاست. خانواده محل عفت‌پروری، مزدوری، تصمیم‌گیریهای عاقلانه، شخصیت‌سازی، کودک‌نوازی و اصالت‌پردازی است. خانواده حلقه اتصال تجارب ارزشمند و متحرک

شیطان‌پرور. خانواده حامل میراث فرهنگی، اجتماعی، دینی و فکری تمام تاریخ یک مرز و بوم است. خانواده بزرگترین نهاد کیفی است که متعالی‌ترین و بهترین اثرات را بر شخصیت آدمی می‌گذارد. خانواده مکان انتقال مفاهیم و ارزش‌هاست، بزرگترین مناسبات معنادار انسانی و الهی و معنوی در خانواده شکل، قوت و استمرار می‌یابد. خانواده قلب اجتماع است و قلب از لحاظ فیزیولوژی مؤثرترین عضو حیاتی است و خانواده نیز کارآمدترین و مؤثرترین عضو حیاتی جامعه است. وظایف، مناسبات، ارتباطات و تعامل‌های درون خانواده اگر همراه با یادگیری‌های اصیل، درست و جهت‌دار باشند می‌تواند نقش محوری را ایفا نماید. زیرا یادگیری کلید تربیت و عامل توانایی آدمی در زندگی است. فلسفه اصلی تشکیل خانواده، تسکین روحی، جسمی و اجتماعی آدمی است. آدمی فطرتاً دنبال پناهگاه، آسایشگاه و ملجاء مناسب است، احساس نیاز به آرامش از فطرت انسان نشأت می‌گیرد. پس تشکیل خانواده پاسخ به عالی‌ترین نیاز فطری بشر است. بهره‌گیری از روش‌های درست تعلیمی و پرورشی براساس فطرت به سوی اهداف غایی، آگاهی، خردمندی، توانایی و عمل بدانها می‌طلبد. وجود ۲۰ درصد کودک نامشروع در آمریکا و انگلیس و ۲۱/۷ درصد کودک نامشروع در استرالیا و ۷۷ درصد مشکلات جوانان که ریشه‌اش در خانواده است، حاکی از انحراف خانواده‌های جهانی از فطرت الهی است. علل اکثر عفت‌سوزی، خلاقیت‌کشی، اضطراب، نارسایی‌های اخلاقی، نگرانی، ناهنجاری، فساد، انحرافات جنسی، ضرب و جرح، نزدی، و سردی، افسردگی، افت تحصیلی و جرم و جنایت را بایستی در خانواده جست. با آگاهی از این وضعیت و همچنین وجود حدود ۲۰ میلیون دانش‌آموز در کشور که غالب خانواده‌های ایرانی را با نهادها تعلیم و تربیت، علی‌الخصوص وزارت آموزش و پرورش و بالاخص با انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی، درگیر ساخته است، جای

خانواده محل عفت‌پروری، تصمیم‌گیری‌های عاقلانه، شخصیت‌سازی، کودک‌نوازی و اصالت‌پردازی است.

خانواده قلب اجتماع است و قلب از لحاظ فیزیولوژی مؤثرترین عضو حیاتی است و خانواده نیز کارآمدترین و مؤثرترین عضو حیاتی جامعه است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تاریخ یک ملت در گذشته، حال و آینده است. خانواده ثمره تلاش انسان‌های عاشق و خردمندی است که میثاق انسانی و خدایی بسته‌اند.

خانواده حریمی است مقدسی که آغازش و پیوندش آسمانی و حرکتش هم می‌تواند تاریخ‌ساز باشد و هم

تأمل و مداخله دارد.

بدون شک ارتباط منطقی خانه و مدرسه قریب به ۸۰ درصد برنامه‌های آموزشی و تربیتی را با موفقیت قرین می‌سازد به قول فردوسی توانا بود هر که دانا بود

ز دانش دل پیر برنا بود اگر می‌خواهیم خانواده‌های توانایی در امر تعلیم و پرورش داشته باشیم، بایستی والدین، آگاه، عامل و اهل دانش و نیش باشند. داشتن اطلاعات کم و محفوظات ناقص خطرناکتر از اطلاع نداشتن است. در آموزش خانواده درست است که نقش مادر محدودتر و مهمتر از پدر است اما غفلت از آموزش پدران به قیمت تضادهای تناقضها و بحرانهای روحی و اخلاقی فرزندان تمام می‌شود. **هماهنگی در تربیت فرزندان به طرز غلط، کم خطرتر از ناهماهنگی تربیتی والدین است.** به نظر می‌آید مهمترین مشکلاتی که روند آموزش خانواده را دچار بحران کرده است عبارتند از:

۱- فقر مالی خانواده

۲- فقر انگیزشی

۳- احساس نیاز نکردن پدران و مادران نسبت به یادگیریهای تربیتی و برخوردی.

۴- دانا پنداشتن خود از سوی برخی از والدین که این مسأله مانعی است برای درک حقیقت کودک، نوجوان، شوهر و همسر و مشکلات و نیازهای آنان.

۵- متفق‌القول نبودن خانواده‌ها نسبت به آموزش خانواده

۶- بافت ناهمگون خانواده‌ها در کلاس‌های آموزشی

۷- تنگ‌نظری نسبت به امر آموزش و متعالی نیندیشیدن برخی از والدین نسبت به انسان، کودک و خود. مثلاً در یکی از

کلاسهای آموزش خانواده مادری اظهار میداشت، چرا وقت ما را تلف می‌کنند، چرا مدارس ما را اینجا می‌کشاندند و ... بچه من که چاقوکش نیست، قاتل نیست و ... پس من چرا بایستی آموزش ببینم. این تصورات سطحی و کم‌عمق ناشی از جهل و نادانی است. به حداقل اکتفا کردن از فکری کم‌عمق

و نگرشی کم‌عرض و نیشی کوتاه سرچشمه می‌گیرد.

۸- عدم درک ارزشها از سوی برخی خانواده‌ها، یعنی عده‌ای واقعاً از لحاظ معنوی فقیرند، اینان وضع، اقتصادی، اجتماعی خوبی هم دارند اما متأسفانه فقر معنوی و روحی دارند. اینها نمی‌دانند که ما با ارزشها و برای ارزشها زنده‌ایم.

۹- کمبود مکانهای فیزیکی مناسب از لحاظ نور، صدا، حرارت

۱۰- فقدان امکانات سمی و بصری در مدارس برای آموزش

۱۱- فقدان شیوه‌های مکاتبه‌ای، تصویری و آرایه کتاب به خانواده‌ها.

۱۲- توجیه نبودن برخی مدیران، معلمان و سطحی گرفتن و کم‌اهمیت انگاشتن این مسأله.

۱۳- برخورد‌های ابتدایی برخی از مدیران و معلمان با استادان مدعو

۱۴- عادت به سن مداری از سوی مدارس و مسئولان انجمن اولیا و مربیان به نحوی که نیروهایی هستند جوان، کارآمد، باسواد، پرکار، پرمطلب، عالم، آگاه به زمان، با داشتن اطلاعات روز و به هنگام. لکن تنها گناهی که دارند این است که پیرمرد نیستند و به جرم بدان بودن بایستی مهجور بمانند و عده‌ایی که به ناحق مشهور شده‌اند بایستی همه کاره و هیچکاره باشند؟! البته در این میان تعدادی انگشت شمار در کشور وجود دارند که حقا هم عالمند و هم عامل و بهترین برنامه‌ها را در رادیو و تلویزیون دارند، لکن اینها نیز از چند جانب دارند ضربه می‌خورند، یکی غریبه‌هایی که علم و ذکر و فکرشان توجه و تکرار است و از تفکر فرار می‌کنند و دیگری افراد مسن اما نالایقی که چشم دیدن اینان را ندارند.

۱۵- دیر پرداخت کردن و کم مایه گذاشتن از لحاظ مالی از سوی مسئولین به اساتید مدعو

۱۶- بسی‌نظمی‌ها و ناهماهنگی‌ها و تشکیل نشدن مکرر برخی ملاکها

۱۷- به میدان نیاروندن خانواده‌ها به طرز منطقی و صحیح از سوی مسئولین

مشکلات مربوط به مدرسین

۱- عدم تسلط کافی برخی افراد در کلاس‌داری و آموزش

۲- نداشتن توانایی و دانایی در بکارگیری مطالب

۳- استفاده نکردن از شیوه‌هایی برای تحریک انگیزش خانواده‌ها

۴- متناسب نکردن آموزشها با سطح اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها، به نحوی که برخی از مدرسین یا خیلی عامیانه صحبت می‌کنند یا خیلی مبهم و گیج کننده

۵- توجه صرف به روشی سخنرانی

۶- پرهیز و فرار برخی از شیوه پرسش و پاسخ

مشکلات مربوط به انجمن اولیا و مربیان

۱- محتوای کتبی را که برای آموزش خانواده‌ها در نظر گرفته‌اند، نارساست.

۲- کتب پیشنهادی انجمن پاسخگوی درخواستهای اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها نیست.

۳- عدم تدوین اصول و اهداف آموزش خانواده به طرز عملی، کارآمد و نتیجه‌بخش

۴- منطبق نبودن این آموزش با خصوصیات شخصیتی افراد.

۵- بهره‌گیری از افراد مجرد برای تدریس زیرا اینها نمی‌توانند مسایل را بشکافند.

۶- به دلیل فقدان استراتژی و راهبردهای آموزشی و عدم تدوین سیاستهای آموزشی بعضاً مجریان دست به اعمال سلیقه‌های غیرمنطقی می‌زنند.

۷- جای سازمان، آموزشی خانواده در سطح ملی خالی است، تا تمامی پراکنده کاریهای سازمانها و ارگانها منجمم گردد.

به نظر می‌رسد با مرتفع شدن مشکلات خودبخود روند آموزش خانواده تسریع و تسهیل می‌گردد و پیشنهادات ما همان حل این موانع و معضلات است.